

## دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۶N۱۱sh۴۴۰۷۱ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

### مسئولیت مدنی پلیس در حقوق ایران با بررسی آراء محاکم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۹/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۱/۰۲)

محمدعلی خواجه نجفی

#### چکیده

مسئولیت مدنی پلیس در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران از یکسو بر مبنای عام مسئولیت مدنی و قواعد فقهی اتلاف و تسبیب استوار است و از سوی دیگر، به واسطه جایگاه حاکمیتی و مأموریت‌های اقتضایی پلیس، با ملاحظات ویژه‌ای مانند ضرورت حفظ نظم عمومی، اختیارات قانونی در اعمال قوه قهریه، و اصل حاکمیت قانون همراه می‌شود. در عمل، بیشترین چالش‌ها در تعیین مبنای مسئولیت، تشخیص تقصیر یا عدم تقصیر، مرزبندی میان اقدام قانونی و رفتار نامشروع، و نیز تعیین خواننده صحیح دعوا میان مأمور، فرمانده، یگان، یا دولت رخ می‌دهد. این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی و با اتکا بر تحلیل آراء محاکم و رویه‌های اداری و قضایی، می‌کوشد الگوی تصمیم‌گیری دادگاه‌ها در دعاوی مسئولیت مدنی پلیس را شناسایی کند و معیارهای مؤثر در احراز ارکان مسئولیت، دفاعیات متداول، و کیفیت جبران خسارت را تبیین نماید. نتیجه کلی آن است که رویه قضایی ایران، ضمن پذیرش اصل پاسخگویی، در مقام اجرا میان مسئولیت شخصی مأمور و مسئولیت سازمان یا دولت نوسان دارد و برای دستیابی به امنیت حقوقی، نیازمند معیارگذاری شفاف‌تر درباره تقصیر سازمانی، مسئولیت مبتنی بر خطر در برخی مأموریت‌های پرریسک، و سازوکارهای مؤثر جبران خسارت است.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت مدنی، پلیس، نیروی انتظامی، تقصیر، جبران خسارت، آراء

محاکم، دیوان عدالت اداری، ضابط دادگستری

## مقدمه

پلیس در هر نظام حقوقی، نقطه تماس مستقیم دولت با شهروندان در حوزه امنیت، نظم عمومی و اجرای قانون است. این تماس مستقیم، هم امکان حمایت مؤثر از حقوق افراد را فراهم می‌کند و هم به دلیل برخورداری پلیس از ابزار اقتدار عمومی، احتمال ورود زیان به اشخاص را افزایش می‌دهد. از همین رو، مسئولیت مدنی پلیس نه صرفاً یک بحث فنی در حقوق خصوصی، بلکه یکی از شاخص‌های حکمرانی حقوقی و عدالت ترمیمی در جامعه است.

در حقوق ایران، قواعد عمومی مسئولیت مدنی بر پایه لزوم جبران ضرر ناروا شکل گرفته است. با این حال، هنگامی که زیان در بستر مأموریت انتظامی رخ می‌دهد، پرسش‌های خاصی مطرح می‌شود: آیا هر زیان ناشی از اقدام پلیس قابل مطالبه است یا تنها زیان ناشی از اقدام نامشروع؟ اگر اقدام قانونی بوده اما به‌طور متعارف خطرناک است، آیا باید از زیان دیده حمایت کرد؟ معیار تشخیص تقصیر مأمور چیست؟ آیا سازمان پلیس یا دولت نیز مسئول شناخته می‌شوند؟ و دادگاه‌ها در عمل چه رویکردی اتخاذ کرده‌اند؟

اهمیت بررسی آراء محاکم از آن جهت است که بسیاری از ظرایف، در متن قوانین به‌صورت کلی بیان می‌شود اما در جریان دادرسی و استدلال قضایی، معیارهای اجرایی شکل می‌گیرد. در دعاوی مربوط به بازداشت اشتباه، تیراندازی، تعقیب و گریز، ورود به منزل، توقیف اموال، ضرب و جرح، یا قصور در حفاظت، دادگاه‌ها ناچارند میان حق امنیت عمومی و حق امنیت فردی تعادل برقرار کنند. این تعادل، اگر بر معیارهای شفاف بنا نشود، یا به مصونیت عملی می‌انجامد یا به هراس از اقدام و کاهش کارآمدی پلیس.

## • بیان مسئله

مسئله اصلی این است که در نظام حقوقی ایران، با وجود پذیرش کلی اصل جبران ضرر، هنوز در تعیین چارچوب دقیق مسئولیت مدنی پلیس ابهام‌های جدی وجود دارد؛ ابهام‌هایی که در عمل به صدور آراء متفاوت، اطلاع دادرسی، و کاهش پیش‌بینی‌پذیری نتایج برای شهروندان و حتی برای خود مأموران می‌انجامد.

یکی از کانون‌های ابهام، تشخیص مبنای مسئولیت است. در بسیاری از پرونده‌ها، دادگاه‌ها مسئولیت را مبتنی بر تقصیر می‌دانند و زیان دیده باید اثبات کند مأمور از استاندارد رفتار حرفه‌ای عدول کرده است. اما در برخی وضعیت‌های پرخطر مانند تعقیب خودرو،

عملیات‌های امنیتی، یا کنترل تجمعات، حتی اقدام مطابق دستور و در چارچوب قانون نیز ممکن است زیان‌های جدی ایجاد کند. در این موارد، اصرار بر اثبات تقصیر فردی مأمور، عملاً دسترسی زیان‌دیده به جبران را دشوار می‌کند. ابهام دیگر به تعیین خواننده صحیح دعوا مربوط است. زیان‌دیده گاه مأمور را طرف دعوا قرار می‌دهد، گاه یگان یا نیروی انتظامی را، و گاه دولت یا وزارت کشور را. در برخی پرونده‌ها نیز دیوان عدالت اداری به‌عنوان مرجع رسیدگی به مطالبه خسارت از دستگاه‌های عمومی مطرح می‌شود. نبود یک الگوی روشن درباره مسئولیت شخصی مأمور در برابر مسئولیت سازمانی، موجب پراکندگی رویه و تعارض در نتایج می‌شود. از سوی دیگر، پلیس در ایران در بسیاری از اقدامات، نقش ضابط دادگستری دارد. این نقش، رابط میان اقتدار قضایی و اقتدار انتظامی است و گاه اشتباه در اجرای دستور قضایی یا برداشت نادرست از حدود اختیار، منتهی به نقض حقوق شهروندی می‌شود. پرسش این است که در چنین مواردی، رابطه میان خطای قضایی و خطای ضابط چگونه ارزیابی می‌شود و آیا اصولی مانند اصل پاسخگویی دولت در قبال خطای مقامات، می‌تواند مبنای جبران قرار گیرد. بنابراین، مسئله تحقیق چنین صورت‌بندی می‌شود: معیارهای حقوقی و رویه‌ای مسئولیت مدنی پلیس در ایران چیست و محاکم در دعاوی مربوط، چگونه ارکان مسئولیت، خواننده دعوا، دفاعیات، و شیوه جبران خسارت را تعیین می‌کنند؟

### • اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش حاضر از سه جهت ضروری است. نخست، از منظر حقوق شهروندی، امکان جبران مؤثر خسارت ناشی از اقدامات انتظامی یکی از لوازم کرامت انسانی و اعتماد عمومی به حاکمیت قانون است. دوم، از منظر کارآمدی پلیس، روشن بودن معیارهای مسئولیت، به مأمور کمک می‌کند بداند چه رفتارهایی واجد ریسک حقوقی است و چگونه می‌تواند در چهارچوب قانون عمل کند. سوم، از منظر قضایی، تحلیل آراء محاکم می‌تواند به هماهنگی رویه، کاهش تعارض، و ارتقای امنیت حقوقی منجر شود.

### • مرور ادبیات

در ادبیات حقوقی ایران، بحث مسئولیت مدنی مأموران دولت و دستگاه‌های عمومی عمدتاً در پیوند با نظریه‌های عام مسئولیت مدنی و نیز مباحث حقوق عمومی درباره پاسخگویی دولت مطرح شده است. آثار کلاسیک حقوق مدنی، مسئولیت را بر پایه تقصیر، ضرر، رابطه

سببیت و نامشروع بودن زیان تحلیل می‌کنند و قواعد فقهی مانند اتلاف، تسبیب و غرور را به‌عنوان پشتوانه نظری می‌شناسند. در این چارچوب، پلیس نیز مانند هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر، اگر زیانی ناروا وارد کند، در اصل باید پاسخگو باشد.

در سال‌های اخیر، ادبیات تخصصی‌تری شکل گرفته که مستقیماً به مسئولیت مدنی مأموران انتظامی پرداخته است. این آثار معمولاً به دو محور توجه دارند: محور نخست، تعارض میان ضرورت اعمال اقتدار عمومی و حفظ حقوق شهروندی؛ محور دوم، چالش‌های دادرسی و تعیین مرجع صالح و خواننده صحیح. در برخی پژوهش‌ها تأکید می‌شود که مسئولیت مدنی پلیس، به دلیل ماهیت حرفه‌ای و تخصصی مأموریت، باید با معیار تقصیر حرفه‌ای سنجیده شود؛ یعنی رفتار مأمور با استاندارد یک پلیس متعارف آموزش‌دیده مقایسه گردد، نه با شهروند عادی.

در کنار ادبیات داخلی، مطالعات خارجی درباره مسئولیت مدنی پلیس در نظام‌های حقوقی مختلف، بر چند محور ثابت تأکید می‌کنند: مسئولیت مبتنی بر خطا، مسئولیت مبتنی بر خطر در فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک، مسئولیت تبعی یا کارفرمایی دولت یا شهرداری، و سازوکارهای دعاوی حقوق بشری. در برخی نظام‌ها، برای حمایت از کارکرد پلیس، مصونیت‌های محدود یا دفاعیات خاص طراحی شده، اما در عین حال، سازوکارهای جبران خسارت برای زیان‌دیدگان پیش‌بینی شده است. این تجربه‌ها برای نظام حقوقی ایران از جهت طراحی تعادل میان «مصونیت کارکردی محدود» و «پاسخگویی مؤثر» قابل استفاده است.

با این حال، خلأ مهم در بسیاری از پژوهش‌ها، تحلیل منسجم آراء محاکم و استخراج الگوهای واقعی تصمیم‌گیری است. برخی نوشته‌ها صرفاً به بیان قواعد کلی بسنده می‌کنند یا تنها به چند مثال پراکنده اشاره دارند. در حالی که تفاوت‌های رویه‌ای میان دادگاه‌های حقوقی، کیفری، و دیوان عدالت اداری، و نیز نقش نظریات مشورتی و آرای وحدت رویه در عمل، نیازمند واکاوی دقیق است. پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ را با تمرکز بر «بررسی آراء» و نزدیک کردن بحث نظری به واقعیت قضایی پوشش دهد.

## **بخش اول: چارچوب مفهومی و مبانی مسئولیت مدنی پلیس در حقوق ایران**

### **بند اول: تعریف مسئولیت مدنی پلیس و تمایز آن با مسئولیت کیفری و انتظامی**

مسئولیت مدنی پلیس به معنای الزام مأمور یا سازمان پلیس یا دولت به جبران خسارت‌های واردشده به اشخاص در نتیجه رفتار یا ترک فعل مرتبط با مأموریت انتظامی است؛ خواه این رفتار واجد عنوان مجرمانه باشد یا نباشد. در بسیاری از موارد، یک رفتار واحد می‌تواند هم مسئولیت کیفری ایجاد کند و هم مسئولیت مدنی. با این حال، تفاوت اساسی در هدف و کارکرد است: مسئولیت کیفری ناظر به مجازات و نظم عمومی کیفری است، مسئولیت انتظامی ناظر به انضباط سازمانی و رعایت مقررات اداری است، و مسئولیت مدنی ناظر به ترمیم زیان و حمایت از حقوق زیان‌دیده است.

در رویه قضایی، گاه دیده می‌شود که وجود قرار منع تعقیب یا حکم برائت کیفری، به اشتباه به معنای نفی مسئولیت مدنی تلقی می‌شود. در حالی که امکان دارد رفتار، از حیث کیفری فاقد سوءنیت یا عنصر قانونی جرم باشد، اما از منظر مدنی، به دلیل تقصیر یا عدم رعایت احتیاط، موجب ضمان و لزوم جبران گردد. بنابراین دادگاه‌ها باید این سه حوزه را تفکیک کنند و با معیارهای خاص هر یک تصمیم بگیرند.

### **بند دوم: مبانی قانونی مسئولیت مدنی پلیس**

مبنای نخست، قواعد عمومی مسئولیت مدنی است که بر جبران خسارت مادی و معنوی و لزوم ترمیم ضرر ناروا تأکید دارد. در کنار آن، قوانین مربوط به ساختار و وظایف نیروی انتظامی، حدود مأموریت و اختیارات را مشخص می‌کند و معیار سنجش «قانونی بودن اقدام» را فراهم می‌سازد. همچنین در نظام حقوقی ایران، نقش قواعد آیین دادرسی کیفری در تعریف ضابطان و حدود اختیارات آنان اهمیت ویژه دارد؛ زیرا بخش مهمی از دعاوی مسئولیت مدنی پلیس ناشی از اقداماتی است که در نقش ضابط دادگستری انجام می‌شود. از منظر قانون اساسی نیز اصل پاسخگویی و جبران خسارت در موارد خطا یا اشتباه مقام عمومی، یک جهت‌گیری مهم در سیاست حقوقی کشور است و می‌تواند به‌عنوان پشتوانه تفسیر حمایتی در دعاوی جبران خسارت ناشی از اقدامات مأموران عمل کند.

### **بند سوم: مبانی فقهی و اصول حاکم بر جبران خسارت**

در فقه اسلامی، قاعده اتلاف و تسبیب، ستون فقرات ضمان مدنی است. هرگاه شخصی مال

یا جان یا حیثیت دیگری را تلف کند یا سبب تلف شود، اصل بر ضمان است، مگر آنکه دلیل معتبر بر رفع ضمان وجود داشته باشد. در حوزه رفتار مأموران عمومی، مسئله دشوار آن است که گاه مأمور به استناد حکم قانون یا دستور مقام صالح اقدام می‌کند. در این صورت، بحث از «اذن قانونی» و «اقدام در مقام انجام وظیفه» مطرح می‌شود. با این حال، اذن قانونی مجوز تجاوز از حدود ضرورت و تناسب نیست. اگر اقدام از حد لازم فراتر رود یا با بی‌احتیاطی همراه باشد، از منظر فقهی نیز می‌تواند ضمان‌آور باشد. در نتیجه، مبانی فقهی با وجود پذیرش ضرورت حفظ نظم، نسبت به حقوق اشخاص حساس است و امکان توجیه مسئولیت پلیس را فراهم می‌کند.

### بخش دوم: ارکان مسئولیت مدنی پلیس و معیارهای احراز آن در رویه محاکم

#### بند اول: رکن ضرر و گستره خسارت قابل مطالبه

نخستین رکن، تحقق ضرر است؛ ضرری که می‌تواند مادی، بدنی، یا معنوی باشد. در پرونده‌های مرتبط با پلیس، ضرر بدنی مانند آسیب ناشی از تیراندازی، ضرب و جرح، یا صدمه در تعقیب و گریز رایج است. ضرر مالی نیز در قالب تخریب خودرو، ورود خسارت به اموال در عملیات، یا توقیف و ضبط صاحب اموال دیده می‌شود. ضرر معنوی نیز به‌ویژه در موارد بازداشت اشتباه، انتشار اتهام، یا رفتارهای تحقیرآمیز مطرح است. در رویه محاکم، یکی از چالش‌ها، ارزیابی خسارت معنوی و تعیین میزان آن است. برخی دادگاه‌ها با احتیاط بیشتری به خسارت معنوی نزدیک می‌شوند و تلاش می‌کنند آن را به شکل‌های قابل اندازه‌گیری مانند هزینه‌های درمان روانی یا آثار شغلی ترجمه کنند. در مقابل، برخی آراء صراحتاً امکان جبران ضرر معنوی را می‌پذیرند اما در تعیین مبلغ، معیار روشنی ارائه نمی‌کنند. این پراکندگی نشان می‌دهد که برای تحقق عدالت ترمیمی، نیاز به معیارگذاری دقیق‌تر درباره خسارت معنوی در دعاوی علیه پلیس وجود دارد.

#### بند دوم: رکن فعل زیان‌بار و تمایز میان اقدام قانونی و اقدام نامشروع

در دعاوی مسئولیت مدنی پلیس، فعل زیان‌بار ممکن است اقدام مستقیم مانند تیراندازی، دستگیری، بازرسی، یا ورود به منزل باشد، یا ترک فعل مانند عدم حفاظت از بازداشت‌شده، تأخیر در امداد رسانی، یا کوتاهی در کنترل صحنه حادثه.

تمایز اصلی در اینجا است که اقدام پلیس ممکن است در اصل قانونی باشد، اما شیوه اجرا نامناسب و زیان‌بار شود. برای مثال، اصل تعقیب متهم یا توقیف خودرو ممکن است مجاز

باشد، اما بی احتیاطی در راندگی یا استفاده نامتناسب از زور، عمل را از محدوده مشروع خارج کند. در رویه قضایی، دادگاه‌ها معمولاً دو معیار را برای تفکیک مشروع از نامشروع به کار می‌گیرند: معیار ضرورت و معیار تناسب. هرگاه اقدام برای تحقق هدف قانونی ضروری نبوده یا شدت آن متناسب با خطر و وضعیت نباشد، تقصیر احراز می‌شود.

### **بند سوم: رکن تقصیر و استاندارد تقصیر حرفه‌ای پلیس**

تقصیر در رفتار پلیس، با توجه به ماهیت حرفه‌ای مأموریت، باید با استاندارد حرفه‌ای سنجیده شود. این استاندارد متکی بر آموزش‌های رسمی، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، تجربه مأموریت، و شرایط میدانی است. تقصیر می‌تواند به صورت بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت، یا عدم رعایت نظامات دولتی ظهور کند.

در بسیاری از آراء، دادگاه‌ها برای احراز تقصیر به گزارش کارشناسی، نظریه پزشکی قانونی، گزارش بازرسی یا حفاظت اطلاعات، شهادت شهود، یا تناقض در گزارش‌های مأموران استناد می‌کنند. در پرونده‌های تیراندازی، معمولاً دادگاه‌ها به بررسی این موارد می‌پردازند: آیا اخطار لازم داده شده است، آیا هدف تیراندازی متناسب بوده، آیا امکان روش‌های کم‌خطرتر وجود داشته، و آیا مقررات مربوط رعایت شده است.

نکته مهم آن است که در رویه، گاه تقصیر مأمور به صورت فردی بررسی می‌شود و گاه تقصیر سازمانی مانند ضعف آموزش، فقدان تجهیزات مناسب، یا دستورالعمل‌های مبهم نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. تقصیر سازمانی اگرچه در ادبیات داخلی مطرح است، اما در آراء محاکم هنوز به اندازه کافی صورت‌بندی روشن و تثبیت شده ندارد و همین امر باعث می‌شود بار مسئولیت عمدتاً بر دوش مأمور منفرد بیفتد یا بالعکس، به دلیل دشواری اثبات تقصیر مأمور، دعوا رد شود.

### **بند چهارم: رابطه سببیت و قطع یا تضعیف آن در دعاوی پلیسی**

رابطه سببیت در پرونده‌های پلیسی پیچیده‌تر از بسیاری از دعاوی مدنی عادی است، زیرا عوامل متعدد در وقوع زیان دخالت دارند؛ مانند رفتار زیان‌دیده، رفتار اشخاص ثالث، وضعیت اضطراری، یا عوامل محیطی. در تعقیب و گریز، ممکن است راندگی مخاطره‌آمیز متهم یا شهروند ثالث سبب اصلی حادثه باشد. در بازداشتگاه، ممکن است بیماری قبلی یا اقدام خودزنی در کنار قصور مأموران مطرح شود.

دادگاه‌ها برای تحلیل سببیت معمولاً به معیار عرفی و نظریه کارشناس تکیه می‌کنند. در

برخی آراء، اگر رفتار زیان دیده نقش پررنگ داشته باشد، مسئولیت مأمور کاهش می‌یابد یا به کلی منتفی می‌شود. با این حال، در مواردی که پلیس تکلیف قانونی به مراقبت و پیشگیری داشته است، دادگاه‌ها سخت‌گیرتر عمل می‌کنند و ترک فعل را نیز سبب مؤثر می‌شناسند؛ به‌ویژه زمانی که زیان قابل پیش‌بینی بوده و با اقدام متعارف قابل پیشگیری بوده است.

### **بخش سوم: گونه‌های مسئولیت و تعیین شخص مسئول در آراء محاکم**

#### **بند اول: مسئولیت شخصی مأمور و حدود آن**

مسئولیت شخصی مأمور معمولاً در مواردی پررنگ می‌شود که تقصیر آشکار، تجاوز از حدود وظیفه، رفتار عمدی، یا تخلف فاحش از دستورالعمل‌ها وجود داشته باشد. در این موارد، دادگاه‌ها مأمور را به جبران خسارت محکوم می‌کنند و حتی اگر سازمان نیز طرف دعوا باشد، ممکن است مسئولیت اصلی را متوجه مأمور بدانند.

اما تمرکز صرف بر مسئولیت شخصی، با دو مشکل مواجه است: نخست، زیان دیده ممکن است در عمل نتواند خسارت را وصول کند، زیرا مأمور توان مالی کافی ندارد. دوم، این رویکرد می‌تواند اثر بازدارنده افراطی ایجاد کند و مأموران را در تصمیم‌های فوری و پرریسک، بیش از حد محتاط یا منفعل سازد. به همین دلیل، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، الگوی ترکیبی پذیرفته شده است که در آن، نهاد عمومی ابتدا خسارت را جبران می‌کند و سپس در صورت تقصیر سنگین، حق رجوع به مأمور دارد.

#### **بند دوم: مسئولیت سازمان پلیس و دولت به عنوان مسئولیت تبعی یا مستقیم**

در حقوق ایران، مسئولیت نهاد عمومی در قبال اعمال کارکنان می‌تواند به صورت مسئولیت تبعی بر پایه رابطه استخدامی یا به صورت مسئولیت مستقیم بر پایه تقصیر سازمانی تحلیل شود. در دعاوی علیه نیروی انتظامی، گاه دادگاه‌ها با استناد به رابطه کاری و اینکه مأمور در حین انجام وظیفه اقدام کرده است، مسئولیت سازمان را می‌پذیرند. در مقابل، گاه دادگاه‌ها سازمان را از مسئولیت مبرا می‌کنند و می‌گویند چون تقصیر شخصی مأمور ثابت شده، سازمان مسئول نیست یا باید در مرجع دیگری طرح دعوا شود.

در این میان، دیوان عدالت اداری نیز در برخی دعاوی جبران خسارت ناشی از اقدامات دستگاه‌های عمومی نقش ایفا می‌کند و رویکرد آن، به سمت پذیرش مسئولیت دولت یا دستگاه در موارد ورود زیان نامشروع یا ناشی از تصمیم و اقدام اداری متمایل است. این

تفاوت مرجع رسیدگی، یکی از علل پراکندگی رویه و سردرگمی اصحاب دعواست.

### **بند سوم: مسئولیت ناشی از اجرای دستور مقام صالح و مسئله ضابط دادگستری**

بخش قابل توجهی از اقدامات پلیس به عنوان ضابط دادگستری انجام می‌شود. در این وضعیت، مأمور ممکن است مدعی شود که اقدام او اجرای دستور مقام قضایی بوده است. دادگاه‌ها معمولاً میان دو حالت تفکیک می‌کنند: حالت نخست، اجرای صحیح و دقیق دستور در حدود آن؛ در این صورت، احراز تقصیر دشوارتر می‌شود و تمرکز به سمت بررسی مشروعیت دستور یا مسئولیت دولت سوق می‌یابد. حالت دوم، اجرای نادرست، توسعه دامنه دستور، یا اقدام خارج از حدود آن؛ در این صورت، مأمور می‌تواند شخصاً مسئول شناخته شود. در رویه، یکی از نکات حساس، کیفیت مستندسازی است. اگر مأمور گزارش دقیق از مراحل اقدام، اختراها، و دلایل ضرورت ارائه کند، امکان دفاع افزایش می‌یابد. در مقابل، گزارش‌های کلی و متعارض، زمینه احراز تقصیر را تقویت می‌کند.

### **بخش چهارم: مصادیق رایج مسئولیت مدنی پلیس در آراء محاکم**

#### **بند اول: بازداشت اشتباه و توقیف غیرقانونی**

بازداشت اشتباه از پرچالش‌ترین مصادیق است، زیرا مستقیماً با آزادی شخصی و حیثیت اجتماعی مرتبط است. در این پرونده‌ها، زیان‌دیده معمولاً خساراتی مانند از دست دادن فرصت شغلی، آسیب حیثیتی، هزینه‌های وکیل، و ضرر معنوی را مطالبه می‌کند. رویه محاکم در این حوزه، به شدت وابسته به تشخیص «موجه بودن ظن» و «رعایت تشریفات قانونی» است. اگر بازداشت بر اساس دستور قضایی و با رعایت تشریفات انجام شده باشد، احتمال پذیرش مسئولیت کاهش می‌یابد، مگر آنکه مأمور در اجرای دستور مرتکب خطا یا افراط شده باشد. اما اگر بازداشت بدون مجوز قانونی، با اشتباه آشکار در هویت، یا همراه با رفتار تحقیرآمیز انجام شده باشد، زمینه مسئولیت مدنی تقویت می‌شود.

#### **بند دوم: تیراندازی، استفاده از سلاح و قوه قهریه**

پرونده‌های تیراندازی معمولاً پیچیده‌ترین دعاوی مسئولیت مدنی پلیس هستند، زیرا هم شرایط میدانی و اضطراری مطرح است و هم امکان خسارات جانی و مبالغ سنگین دیده و ارش. دادگاه‌ها در تحلیل این پرونده‌ها غالباً به چهار محور توجه می‌کنند: ضرورت، تناسب، رعایت اخطار و مراحل قانونی، و امکان جایگزین کم‌خطر.

اگر ثابت شود تیراندازی در شرایطی انجام شده که خطر جدی و فوری وجود داشته و روش کم‌خطرتر ممکن نبوده است، مسئولیت ممکن است منتفی یا کاهش یابد. اما اگر تیراندازی بدون ضرورت کافی، به سمت نقاط حساس بدن، یا بدون رعایت مراحل اخطار انجام شده باشد، تقصیر به‌سهولت احراز می‌شود.

### **بند سوم: خسارت به اموال در عملیات و بازرسی و ورود به منزل**

در عملیات‌های دستگیری یا بازرسی، گاه اموال اشخاص ثالث یا حتی خود متهم آسیب می‌بیند. رویه قضایی در این موضوع معمولاً میان دو وضعیت تفکیک می‌کند: وضعیت نخست، آسیب ناشی از اقدام ضروری و متعارف در اجرای مأموریت؛ در این حالت، دادگاه‌ها محتاط‌ترند و گاه جبران را به سازوکارهای اداری یا قواعد خاص نسبت می‌دهند. وضعیت دوم، تخریب غیرضروری، افراط در ورود قهری، یا بی‌احتیاطی در نگهداری اموال توقیفی؛ در این حالت، مسئولیت تقویت می‌شود.

یکی از نقاط ضعف عملی، نبود استانداردهای یکسان برای ارزیابی «ضرورت» است. همین امر سبب می‌شود که در پرونده‌های مشابه، برخی دادگاه‌ها تخریب را اجتناب‌ناپذیر و برخی دیگر آن را تقصیرآمیز تلقی کنند.

### **بند چهارم: قصور در حفاظت و ترک فعل‌های زیان‌بار**

ترک فعل در مسئولیت پلیس، به‌ویژه در حوزه بازداشتگاه‌ها، انتقال متهم، حفاظت از اماکن، یا کنترل صحنه حادثه مطرح می‌شود. دادگاه‌ها در پذیرش مسئولیت ناشی از ترک فعل معمولاً سخت‌گیرترند و نیاز به اثبات تکلیف قانونی، امکان اقدام، و قابلیت پیش‌بینی زیان را برجسته می‌کنند.

با این حال، در مواردی که پلیس تکلیف صریح به حفاظت از جان و سلامت افراد تحت کنترل دارد، معیار مسئولیت آسان‌تر می‌شود. در چنین پرونده‌هایی، حتی اگر زیان با اقدام شخص زیان‌دیده همراه باشد، دادگاه‌ها ممکن است قصور مأموران در مراقبت را سبب مؤثر بدانند.

### **بخش پنجم: دفاعیات پلیس و ارزیابی آن در رویه قضایی**

#### **بند اول: دفاع اقدام قانونی و انجام وظیفه**

مهم‌ترین دفاع پلیس، اقدام در چارچوب قانون و انجام وظیفه است. این دفاع زمانی مؤثر

است که پلیس بتواند نشان دهد اقدام او مستند به مجوز قانونی یا دستور مقام صالح بوده و حدود ضرورت و تناسب رعایت شده است. در رویه، هرچه مستندات دقیق تر و گزارش‌ها منسجم تر باشد، این دفاع قوت بیشتری می‌یابد. با این حال، صرف عنوان «حین انجام وظیفه» کافی نیست. دادگاه‌ها در بسیاری از پرونده‌ها تصریح می‌کنند که انجام وظیفه، مجوز ورود زیان ناروا نیست و مأمور باید قواعد احتیاط و حقوق شهروندی را رعایت کند.

### **بند دوم: دفاع تقصیر زیان‌دیده و نقش آن در کاهش مسئولیت**

در پرونده‌های تعقیب و گریز، درگیری فیزیکی، یا مقاومت در برابر مأمور، دفاع تقصیر زیان‌دیده بسیار رایج است. دادگاه‌ها اگر احراز کنند که زیان‌دیده با رفتار خود، خطر را ایجاد یا تشدید کرده است، ممکن است مسئولیت پلیس را کاهش دهند. اما این کاهش زمانی موجه است که رفتار پلیس همچنان در چارچوب ضرورت و تناسب باقی مانده باشد. اگر پلیس در واکنش، افراط کرده باشد، تقصیر زیان‌دیده لزوماً مسئولیت پلیس را از بین نمی‌برد.

### **بند سوم: دفاع قوه قاهره و وضعیت اضطراری**

در برخی پرونده‌ها، پلیس به وضعیت اضطراری یا قوه قاهره استناد می‌کند؛ مانند شرایط آشوب، خطر فوری برای جان مردم، یا حوادث غیرقابل پیش‌بینی. دادگاه‌ها معمولاً این دفاع را محدود تفسیر می‌کنند و به جای پذیرش کلی، بررسی می‌کنند که آیا واقعاً راه‌حل کم‌خطرتر وجود داشته است یا خیر. به بیان دیگر، اضطرار می‌تواند معیار سنجش تقصیر را منعطف کند، اما معمولاً آن را به‌طور کامل منتفی نمی‌سازد.

### **بخش ششم: مرجع صالح، نحوه طرح دعوا و شیوه‌های جبران خسارت**

#### **بند اول: تداخل صلاحیت‌ها و اثر آن بر دسترسی به عدالت**

یکی از دشوارترین مسائل عملی، انتخاب مرجع صالح است. بخشی از دعاوی جبران خسارت در دادگاه‌های عمومی حقوقی طرح می‌شود، بخشی به تبع پرونده کیفری در دادگاه کیفری مطرح می‌گردد، و بخشی در دیوان عدالت اداری به عنوان مطالبه خسارت از دستگاه عمومی پیگیری می‌شود. این پراکندگی، هم هزینه دادرسی را افزایش می‌دهد و هم امکان صدور تصمیم‌های متفاوت را بالا می‌برد. در رویه، اگر دعوا ناظر به مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم باشد، مسیر کیفری و طرح دادخواست ضرر و زیان اهمیت می‌یابد. در مقابل، اگر دعوا

متوجه تصمیم و اقدام اداری دستگاه یا مسئولیت دولت باشد، دیوان عدالت اداری نقش بیشتری پیدا می‌کند. نبود آموزش کافی برای شهروندان درباره این تمایزها، گاه موجب رد دعوا به دلیل عدم صلاحیت و سرگردانی در مراجع می‌شود.

### **بند دوم: الگوهای جبران خسارت و مشکل ارزیابی خسارت معنوی**

جبران خسارت در دعاوی پلیسی می‌تواند شامل دیه و ارش در آسیب‌های بدنی، جبران خسارت مالی و هزینه‌های درمان، و جبران خسارت معنوی باشد. در عمل، ارزیابی خسارت مالی و بدنی با ابزار کارشناسی ساده‌تر است، اما خسارت معنوی همچنان چالش‌برانگیز باقی مانده است. پیشنهاد قابل دفاع آن است که دادگاه‌ها در خسارت معنوی، معیارهای ترکیبی مانند شدت لطمه، گستره انتشار، جایگاه اجتماعی زیان‌دیده، مدت بازداشت یا اثر روانی، و نیز اقدامات ترمیمی مانند اعاده حیثیت را در کنار مبلغ مالی لحاظ کنند تا رأی هم عادلانه‌تر و هم قابل پیش‌بینی‌تر شود.

### **بند سوم: مسئولیت دولت و حق رجوع به مأمور**

برای ایجاد تعادل میان حمایت از زیان‌دیده و جلوگیری از تضعیف کارکرد پلیس، الگوی جبران اولیه توسط دولت یا سازمان و سپس حق رجوع به مأمور در صورت تقصیر سنگین یا عمد، می‌تواند کارآمد باشد. این الگو هم وصول خسارت را برای شهروند تضمین می‌کند و هم از نظر سازمانی، انگیزه آموزش و کنترل داخلی را افزایش می‌دهد. در رویه ایران، نشانه‌هایی از پذیرش این نگاه دیده می‌شود، اما هنوز قاعده‌مند و فراگیر نیست و نیازمند سیاست‌گذاری روشن‌تر است.

### **بخش هفتم: جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها**

#### **بند اول: نتایج اصلی پژوهش**

نخست، مسئولیت مدنی پلیس در ایران از حیث مبانی حقوقی قابل استقرار است و قوانین و اصول کلی، امکان مطالبه خسارت را فراهم می‌کند. دوم، رویه قضایی در احراز تقصیر، بیش از هر چیز به ضرورت و تناسب و رعایت نظامات و آموزش حرفه‌ای توجه دارد، اما معیارهای آن در پرونده‌های مشابه گاه متفاوت است. سوم، مهم‌ترین گره عملی، تعیین مسئول جبران و مرجع صالح است. در برخی آراء، مسئولیت به مأمور محدود می‌شود و در برخی، سازمان یا دولت نقش پررنگ می‌یابد.

چهارم، خسارت معنوی و نیز تقصیر سازمانی، دو حوزه‌ای هستند که در عمل کمتر قاعده‌مند شده‌اند و موجب ناهمگونی آراء می‌شوند.

### **بند دوم: پیشنهاد‌های اصلاحی و کاربردی**

پیشنهاد اول: تدوین دستورالعمل‌های شفاف برای معیارهای ضرورت و تناسب در اعمال قوه قهریه و نیز استانداردهای حرفه‌ای در موقعیت‌های پرریسک، به گونه‌ای که هم برای مأمور قابل اجرا باشد و هم برای قاضی قابل استناد.

پیشنهاد دوم: تقویت سازوکار جبران خسارت از طریق پذیرش قاعده جبران اولیه توسط دولت یا سازمان انتظامی، همراه با حق رجوع به مأمور در موارد تقصیر فاحش یا عمد. پیشنهاد سوم: یکسان‌سازی رویه در خصوص خسارت معنوی با ارائه معیارهای سنجش و دامنه جبران، و توسعه نهادهای غیرمالی مانند اعاده حیثیت و الزام به عذرخواهی رسمی در موارد مناسب.

پیشنهاد چهارم: آموزش حقوقی گسترده‌تر به ضابطان دادگستری درباره حدود اختیارات، تشریفات قانونی، و پیامدهای مدنی نقض حقوق شهروندی، زیرا بسیاری از پرونده‌ها ناشی از خطاهای شکلی یا برداشت نادرست از حدود اختیار است.

پیشنهاد پنجم: ایجاد مسیر دادرسی ساده‌تر و تخصصی‌تر برای دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از اقدامات پلیس، تا زیان‌دیدگان ناچار به سرگردانی میان مراجع مختلف نباشند و رسیدگی تخصصی‌تر و سریع‌تر انجام شود.

## منابع و مآخذ

### الف) منابع فارسی

- خواجه نجفی، محمدعلی. «مسئولیت مدنی پلیس (نیروی انتظامی) در جمهوری اسلامی با بررسی آراء محاکم». تحقیقات حقوق قضایی، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، شماره ۱۰، صفحات ۴۸۹ تا ۵۱۰.
- قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۰۷. متن منتشرشده در پایگاه داودآبادی/ <https://davoudabadi.ir/page/۱۹۳۶۴۲۰/>
- قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۷. متن منتشرشده در پایگاه داودآبادی/ <https://davoudabadi.ir/page/۸۹۱۰۷۶۲۵/>
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. اصل ۱۷۱. متن منتشرشده در پایگاه داودآبادی/ <https://davoudabadi.ir/page/۲۱۹۵۴۷۸/>
- نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، شماره ۳۱۱۴/۹۳/۷، مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۲. متن منتشرشده در پایگاه داودآبادی : <https://davoudabadi.ir/page/۳۸۲۶۰۷۵/>
- رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، شماره ۵۸۲، مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۰۲. متن منتشرشده در پایگاه داودآبادی : <https://davoudabadi.ir/page/۴۳۵۹۶۲۸/>
- رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، شماره ۲۱۵، مورخ ۱۳۸۱/۰۶/۲۴. متن منتشرشده در پایگاه داودآبادی/ <https://davoudabadi.ir/page/۴۷۱۹۲۶۳/>
- مقاله «جبران خسارت ناشی از مسئولیت مدنی دولت در پرتو رویکرد دیوان عدالت اداری». مجله پژوهشی مرتبط با حقوق عمومی و اداری، ۲۰۲۳. متن در پایگاه نشریه [https://journal.ihrci.ir/article\\_۱۸۶۰۴۱.html](https://journal.ihrci.ir/article_۱۸۶۰۴۱.html)

### ب) منابع انگلیسی

- Belvedere, Kimberly J. "Police Civil Liability." Research Starters: Law, EBSCO, ۲۰۲۴. <https://www.ebsco.com/research-starters/law/police-civil-liability>
- "A Comparative Study of the Victim's Fault in Civil Liability of

Police Officers.” Journal article on SpringerLink, ۲۰۲۴.

<https://link.springer.com/article/۱۰.۱۰۰۷/s۴۴۲۸۲-۰۲۴-۰۰۰۴۱-z>

- AELE Law Journal. “Civil Liability Section: Liability Issues for Failing to Investigate.” AELE (Americans for Effective Law Enforcement), PDF, ۲۰۲۵. <https://aele.org/uploads/>